

یادداشت

تداوم گفت‌وگوها برای احیای حقابه تاریخی ایران از هیرمند

لیلامحمودزاده

اگرچه در گذشته رود هیرمند بین دو کشور ایران و افغانستان جاری بود، اما با جداکردن هرات از ایران در سال ۱۸۵۷ میلادی، حاکمیت افغانستان از جاری‌ساختن آب این رود به خاک ایران خودداری و امروزه مسئله حقابه هیرمند را به یکی از مسائل مهم سیاسی، اجتماعی و زیست‌محیطی دو کشور تبدیل کرده است. پس از کش‌وفوس فراوان مقرر شد که هر دو کشور به طور مساوی از آب این رود بهره‌مند شوند، اما هم‌زمان با کاهش بارش سالانه و گسترش خشک‌سالی بر سیستمان در اواخر دهه ۱۳۷۰، میزان ورودی آب رود هیرمند به دریاچه هامون که اغلب برای مصارف شهروندان، کشاورزی و تغذیه چاه‌ها بود، علی‌رغم انعقاد قرارداد حقابه هیرمند، کاهش یافته و در نتیجه آن هامون خشکید و از آن زمان تاکنون پیگیری‌های فراوان برای دریافت این حقابه بی‌نتیجه بوده تا به امروز که این مسئله را از بعد اجتماعی و انسان‌دوستانه تبدیل به یک مسئله کاملا سیاسی کرده است. با وجود اینکه تاکنون نشست‌های بسیاری برای جاری‌ساختن این حقابه بین ایران و افغانستان برگزار شده است، اما همواره در برقراری این تعهد مناقضاتی وجود دارد. برای نمونه می‌توان به نشست دوروه «کمیساران آب هیرمند» که در تاریخ ۲۵ و ۲۶ بهمن ۱۴۰۲ با حضور نمایندگان ایران و افغانستان در شهر زابل برگزار شد، اشاره کرد که در این نشست به‌رغم گزارشات ایران از مشکلات فنی سازه‌های احداثی افغانستان در مسیر این رودخانه، به‌ویژه اصلاح سد کمال‌خان کشور افغانستان عدم تأمین حقابه را به خشک‌سالی‌های شدید در کشور خود ربط داد. این در حالی است که براساس داده‌های ماهواره‌ای مخزن سد جیگبی نه‌تنها پرآب بوده، بلکه سرریز نیز شده است که در نتیجه دریاقت حقابه ایران از رود هیرمند مانند نشست‌های سال‌های گذشته نیز بدون نتیجه ماند.

آنچه مسلم است، بی‌نتیجه‌ماندن نشست‌ها و جلسات مختلف برگزارشده تاکنون با کشور افغانستان است و بر همین اساس برای حل این مسئله نیاز به رژیم حقوقی برای حقابه هیرمند داریم. موضوع تأمین حقابه همیشه به عنوان یکی از موضوعات مهم و ثابت در دستور کار گفت‌وگوهای سیاسی، فنی و حقوقی ما با طرف‌های مختلف افغانستانی بوده است.

به دنبال گسترش خشک‌سالی و کاهش بارندگی‌ها و در نتیجه افزایش کم‌آبی در سال جاری در ایران و از طرف دیگر ممانعت کشور افغانستان برای عمل به تعهدات خود بار دیگر هفته گذشته کاظم غریب‌آبادی، معاون امور حقوقی و بین‌المللی وزارت امور خارجه ایران با مجیب‌الرحمن آخوندزاده، معاون وزارت آب و انرژی و کمیسار آب هیرمند افغانستان دیدار و درخصوص حقابه هیرمند، رژیم حقوقی هریرو، برگزاری نشست‌های فنی و حقوقی مشترک، حقابه تاریخی و عرفی تالاب‌های بین‌المللی هامون گفت‌وگو کرد که به موجب آن مقرر شد تا سی‌امین نشست اجلاس کمیساران آب هیرمند به منظور پیگیری حقابه هیرمند در آینده نزدیک در تهران برگزار شود. کاظم غریب‌آبادی، معاون امور حقوقی و بین‌الملل وزارت امور خارجه با اشاره به سفر اخیر خود به کشور افغانستان در همین باره گفته است که در این سفر هم در ادامه گفت‌وگوهای پیشین، سه موضوع را در حوزه آب در طرف افغان در میان گذاشتیم که یکی، بحث معاهده حقابه هیرمند، حقابه مربوطه طبق معاهده ۱۳۵۱ و خشک‌شدن تالاب‌های هامون است. همچنین تأمین حقابه هریرو و حقابه عرفی ایران از محل این رودخانه که دغدغه مردم به‌ویژه در مشهد مقدس است، نیز در این جلسات مورد بحث قرار گرفت. درخصوص هیرمند تأکید کردیم که طبق معاهده، تعهد خودشان را انجام دهند. البته آنها یک‌سری نظر دارند که این معاهده را اجرا می‌کنند، ما نظر متفاوتی داریم و بر این عقیده هستیم که حقابه ایران خیلی خیلی کمتر از آن چیزی که در معاهده آمده، را در اختیار ایران قرار گرفته است. قرار شد که تیم‌های فنی و حقوقی دو طرف در این باره تشکیل جلسه دهند و این مسائل را با مستندات مورد بررسی قرار دهند. او با تأکید بر اینکه درساره هیرمند نیاز به رژیم حقوقی داریم، توضیح داده است که اگر بتوانیم بحث حقابه را در چارچوب یک سند منظم تدوین کنیم، بسیار کلمدی خواهد بود. کار خیلی ساده‌ای نیست، باید طرف‌های ذی‌ربط افغانستانی باید آماده باشند و به میز مذاکره بیایند تا بتوانیم در این خصوص سندی را تدوین کنیم. بعضی سدهای‌ها در افغانستان مانع رسیدن آب به این بخش شده است. اگرچه که آنها در این باره بحث خشک‌سالی را مطرح می‌کنند، اما با پایش‌هایی که توسط سازمان هواشناسی و وزارت نیرو صورت می‌گیرد، مستندات و داده‌هایی داریم که حرف‌های آنها را تأیید نمی‌کند.

پایماده

نباید فراموش کرد که بی‌توجهی به حقابه ایران فقط به کاهش آب ورودی محدود نمی‌شود، بلکه پیامدهای گسترده‌ای همچون خشک‌شدن تالاب هامون، افزایش مهاجرت، بیکاری و بحران‌های اجتماعی در سیستان‌وبلوچستان را به همراه دارد. به عبارت دیگر می‌توان گفت که موضوع هیرمند صرفا یک مسئله آبی نیست، بلکه امروزه امنیت و ثبات اجتماعی در شرق کشور را نشانه رفته است. کارشناسان معتقدند برای عبور از این وضعیت، ایران باید هم‌زمان دو مسیر تداوم دیپلماسی فعال و بهره‌گیری از ظرفیت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی برای الزام افغانستان به اجرای معاهده و آماده‌سازی اقدامات سختگیرانه در مدیریت منابع داخلی به منظور کاهش وابستگی به ورودی‌های فرامرزی را دنبال کند که می‌تواند از تعمیق بحران‌های زیست‌محیطی و اجتماعی در شرق کشور جلوگیری کند. جمع‌بندی اینکه وزارت نیرو و دستگاه‌های ذی‌ربط با تأکید بر اهمیت حیاتی تأمین حقابه هیرمند برای پایداری زیست‌محیطی و معیشت مردم سیستان‌وبلوچستان، این موضوع را به صورت مستمر در دستور کار خود دارند. دولت نیز با بهره‌گیری از همه ظرفیت‌های دیپلماسی، فنی و حقوقی، پیگیری اجرای کامل معاهده ۱۳۵۱ و احقاق حقوق ملت ایران را در اولویت مذاکرات دوجانبه و منطقه‌ای قرار داده است. امید اینکه با به نتیجه رسیدن این پیگیری‌ها شاهد دریافت حداکثری حقابه ایران از هیرمند و کاهش مشکلات آبی در پایین‌دست حوضه آبریز هیرمند باشیم.

مهفام سلیمان بیگی: وضعیت آبی پایتخت به وضعیت قرمز و نگران‌کننده رسیده است تا جایی که به‌گفته مدیر کل آبفای استان تهران، ذخایر سدهای پنج‌گانه تهران به کمترین میزان طی ۶۰ سال اخیر خود رسیده و پرشدگی سدهای تهران بدون احتساب سد طالقان تا پنج درصد کاهش یافته است. اگر ذخایر سد طالقان را که تأمین‌کننده هم‌زمان آب استان‌های قزوین، البرز و تهران است در نظر نگیریم، در چهار سد دیگر یعنی سد کرج، سد لتیان، سد لار و سد ماملو، در مجموع فقط ۵۴ میلیون مترمکعب آب ذخیره‌شده داریم که بخشی از آن مربوط به حجم مرده و غیرقابل برداشت است. کار به جایی رسیده که سختگوی صنعت آب اعلام کرده باتوجه به وضعیت منابع آبی در تهران مجبور به اعمال محدودیت هستیم و حتی وزیر نیرو هم با تأیید اینکه وزارت نیرو برای کنترل هدررفت آب، فشار شبکه را کاهش داده، رسما اعلام کرده که ممکن است مجبور شویم بعضی از شب‌ها که مردم کمتر آب مصرف می‌کنند فشار آب را تا حد صفر پایین بیاوریم. ماجرای بی‌آبی پایتخت تا آنجا سروردا کرده که شخص رئیس‌جمهور هم هشدارهایی مبنی بر احتمال جیره‌بندی آب تا آذرماه داده و در یک اظهارنظر عجیب از احتمال تخلیه تهران سخن گفته است.

تهران: دومین استان فقیر از نظر منابع آبی

تمام این اتفاقات و رسیدن به این روز البته هرگز دور از ذهن نبود؛ طبق گزارش شرکت استان آب و فاضلاب تهران، تهران سال‌هاست دومین استان ایران از نظر فقر منابع آبی است و حتی رتبه اول فرونشست زمین را نیز از آن خود کرده است. به‌پایان رسیدن ظرفیت بارگذاری جمعیت و صنعت در تهران حداقل از ۱۰ سال پیش به‌صورت علنی مطرح و درباره آن هشدار داده شد، بااین‌حال رشد جمعیت استان تهران سال به سال افزایش یافت. بیش از این، کمیسوین‌های معماری و شهرسازی استان تهران اعلام کرده بود که این استان تراکم جمعیتی ۲۰برابری نسبت به کل کشور دارد و همین باعث شده به گفته کمیسوین سلامت، محیط زیست و خدمات شهری شورای شهر تهران، در بعضی از مناطق تهران سرانه فضای سبز به زیر یک متر برسد. این یعنی درحالی‌که دنیا خیلی وقت است از سیستم برنامه‌ریزی‌های متمرکز بیرون آمده است، ما هنوز در قرن نوزدهم، قرن شهرهای بزرگ و قدرت‌های متمرکز، به سر می‌بریم که یک پایتخت در آن برآی کل کشور تصمیم می‌گیرد و موجب توزیع ناهمگون منابع زیستی از جمله آب می‌شود.

حالا شهروندان تهرانی هر لحظه با تهدید قطع آب شرب مواجه هستند، درحالی‌که بخش کشاورزی همچنان بزرگ‌ترین مصرف‌کننده آب استان باقی مانده است. با وجود بحران شدید آب، هنوز هم بسیاری از مزارع اطراف اطراف ابرقایی و سستی برای آبیاری استفاده می‌کنند. این روش‌ها باعث هدررفت بیش از ۶۰ درصد آب مصرفی می‌شود. همچنان در برخی نقاط تهران محصولاتی مانند ذرت، یونجه، سیب‌زمینی و حتی برنج کشت می‌شود! این یک خیانت به منابع آب است. در بسیاری از کشورها، کاشت این محصولات در مناطق کم‌آب کاملا ممنوع است اما در ایران سیاست‌مداران آب شرب را جیره‌بندی می‌کنند تا از آب پول بسازند.

عطش صادرات آب در ایران!

چندی پیش محمد درویش، پژوهشگر و فعال محیط زیست، با اشاره به رویه غلط و به تعبیر خودش نابخردانه‌ای که مسئولان برای توسعه کشور در نظر گرفته‌اند، تأکید کرد که این مسیر نتیجه‌ای جز نابودی قریب‌الوقوع میراث‌های طبیعی و آبی ما را در پی ندارد. او به اطلاعات گفت: «ایران از نظر اقلیمی مشکلی در زمینه آب ندارد و ریشه گرفتاری‌ها را باید در سوءمدیریت‌هایی جست که در طی سالیان متمادی گریبان این آب و خاک را گرفته است. ایران بیش از ۲۵ برابر کل کشورهای جنوب خلیج فارس، یعنی کویت، امارات متحده عربی، عمان، عربستان سعودی، یمن و قطر در سال آب قابل استخراج دارد اما متأسفانه برنامه‌ای که برای توسعه کشور انتخاب کردیم، مبتنی بر صادرات محصولات کشاورزی و استقرار صنایع آبربر است. این یعنی ما با فروش آب می‌خواهیم تولید ثروت بکنیم، درصورتی‌که آب یک کالای زیستی است و باید با حفاظت از آن زندگی سالمی را برای مردم فراهم بکنیم.» به گفته او بنا بر آمارهای رسمی، کشور ما بیش از ۱۵۰ میلیارد مترمکعب نآزآبی آب دارد اما در همین شرایط مدیرانی در رأس که هستند که تمام افتخارشان این است که صادرات محصولات کشاورزی را در طول ۴۰ سال اخیر چهار برابر افزایش داده‌اند. آمارها حاکی از این است که بین ۸۰ تا ۹۰ درصد منابع آب کشور را بخش کشاورزی می‌گیرد. درحالی‌که به گفته درویش ما باید ۴۰ درصد آب را اختصاص می‌دادیم به محیط زیست که همان تالاب‌ها و رودخانه‌ها هستند. حدود ۸.۵ تا ۹ درصد برای شرب و چیز دیگر حدود ۵۰، ۶۰ درصد باقی‌مانده را برای مصارف کشاورزی و صنعت در نظر می‌گیریم که این کار را نکردیم.

البته دستاوردسازی از هدررفت منابع آبی با کشاورزی غیراصولی تنها مشکل نیست، مسئله سدها‌سازی و سود سرشار حاصل از آن هم معضل دیگری است که سرگذشت پرسوز و گداز آب را در این کشور بیش از پیش بغرنج کرده است. احداث سدهای اضافه‌ای که هرگز پر نخواهند شد، خسارات و مشکلات بسیار زیادی برای محیط زیست رقم زده است. به گفته فعالان محیط زیست تقریبا ۱۰ برابر نیاز آب شرب مخزن زدیم و حالا می‌خواهیم آن را به ۱۵ تا ۲۰ برابر برسانیم و این یعنی وزارت نیرو از این مخازن ثروت کسب می‌کند. غافل از اینکه با این کار تالاب‌ها را در پایین‌دست خشک می‌کنیم، بارگذاری‌ها را در بالادست

ذخایر سدهای تهران به کمترین میزان ۶۰ سال گذشته رسید و رئیس‌جمهوری از احتمال تخلیه پایتخت به دلیل کمبود آب خبر داد

تهران در اضطراب

وزیر نیرو از احتمال جیره‌بندی آب پایتخت خبر داد



جی، در تالاب طالقان، ایران

تهران و بسیاری از کلان‌شهرهای کشور به دلیل تمرکز بیش از حد جمعیت، دچار بحران مزمن هستند. او با اشاره به تمرکز جمعیت در کشور گفت: «در حال حاضر نزدیک به ۴۰ درصد جمعیت ایران در کلان‌شهرها و نواحی پیرامون آنها ساکن‌اند. چنین تمرکزی در کشوری خشک مانند ایران، خود منبع بحران است. توسعه بی‌رویه شهری، صنعتی و تغییر کاربری اراضی، مهاجرت به کلان‌شهرها را تشدید کرده است.» بیت‌اللهی در ادامه به مطالعات خود اشاره کرد و گفت: «در یک مطالعه که در سال ۱۴۰۱ انجام دادم، مشخص شد با روند فعلی زادوولد و مهاجرت، جمعیت کشور کاهش می‌یابد اما دو نقطه همچنان رشد چشمگیری دارند: تهران و کرج. دلیل این مسئله نیز روش است: تمرکز امکانات، شغل و معیشت.» او درباره پیشنهاد انتقال پایتخت نیز توضیح داد: «آقای رئیس‌جمهور از روزهای نخست مسئولیت خود نسبت به بحران آب هشدار داده‌اند و یکی از راهکارهای ایشان، انتقال پایتخت بوده است. اما باید توجه داشت که صرف انتقال پایتخت به‌تنهایی مسئله آب تهران را حل نمی‌کند. پایتخت‌بودن یک شهر لزوماً باعث تمرکز جمعیت نمی‌شود. حتی اگر پایتخت جابه‌جا شود، شاید در بهترین حالت فقط ۱۰ درصد از جمعیت تهران به اجبار منتقل شوند، اما ریشه بحران باقی می‌ماند.»

او تأکید کرد: «مسئله آب تهران، نه به تخلیه جمعیت و نه با انتقال پایتخت حل نمی‌شود. راهکار، مدیریت مصرف، اصلاح الگوی توسعه و نگاه بلندمدت به منابع آبی کشور است. تا زمانی که نگاه کوتاه‌مدت و واکنشی در مدیریت بحران ادامه داشته باشد، وضعیت سال‌به‌سال بدتر خواهد شد.»

بیت‌اللهی در ادامه توضیح داد: «اگر پایتخت رسمی کشور از تهران منتقل شود، بلافاصله و بدون هیچ ضرب توفقی، جمعیت از نقاط دیگر کشور دوباره به تهران مهاجرت می‌کند و آن چاه‌های خالی دوباره پر می‌شوند. علت این امر آن است که تمرکز جمعیت در تهران به دلیل واژه «پایتخت» نیست.» او افزود: «در ترکیه هم تمرکز جمعیت در استانبول است، در حالی‌که پایتخت رسمی آنکارا نام دارد. همین وضعیت در بسیاری از کشورهای دیگر از جمله ایالات متحده هم وجود دارد. بنابراین مسئله اصلی، نام پایتخت نیست، بلکه ساخت امکانات، مسائل معیشتی، فرصت‌های اشتغال و کسب درآمد است که باعث تمرکز جمعیت می‌شود.»

بیت‌اللهی تصریح کرد: «با انتقال پایتخت، مشکلات پایتخت منتقل نخواهد شد. بحران کم‌آبی تهران با این جابه‌جایی حل نمی‌شود. حتی می‌توان گفت اگر پایتخت از تهران برداشته شود، آن‌هم کم‌کم مدیریتی و توجه ملی که به دلیل مرکزیت وجود دارد نیز کم‌رنگ‌تر می‌شود و در نتیجه، مشکلات پایتخت افزایش بیشتری پیدا خواهد کرد.» او گفت: «بنابراین راه حل بحران آب تهران، در اصلاح سیاست‌های توسعه، مدیریت مصرف و بازنگری در الگوهای تمرکز جمعیتی است، نه در تغییر عنوان پایتخت.»

آبخیزداری ایران هم به «شرق» توضیح می‌دهد که بحران آب تهران در قدم اول و در یک راهکار فوری باید در یک اعلان رسمی اطلاع‌رسانی شده و به مردم هشدار داده شود چنانکه مشترکی سرانه مصرف آب آن از ۱۰۰ لیتر در روز عبور کند، آب شرب آن مشترک قطع می‌شود. او توضیح می‌دهد: در حال حاضر سرانه آب مصرفی هر شهروند تهرانی، ۲۵۰ لیتر و بالاتر از میانگین جهانی است و سرانه مصرف آب در شمال تهران به ۴۰۰ لیتر می‌رسد. این در حالی است که شهر در وضعیت بحرانی قرار گرفته است و باید وضعیت اضطراری اعلام شود و رصد مصرف مشترکان هفتگی شود. به این ترتیب اگر مصرف آب به سرانه ۱۰۰ لیتر برسد، می‌توان با میزان مصرف آب فعلی حدود ۵.۲ ماه دوام آورد تا بارندگی تجربه شود. این کارشناس تأکید می‌کند که در بلندمدت هم دولت باید طرح آمایش سیرزمین بر اساس منابع زیستی و از جمله آب تهیه کرده و مشاغل و کارخانه‌ها را در حاشیه دریای جنوب و شمال متمرکز کرده تا جمعیت به صورت خودجوش به سکونت در این مناطق ترغیب شود. چراکه در حال حاضر عمده صنایع و مشاغل آبربر و غیرآبر‌بر در ایران مرکزی متمرکز شده و عمده جمعیت کشور را در این نقطه جمع کرده و به بحران آب در مناطق شهری دامن زده است.

به‌صورت مصنوعی افزایش می‌دهیم، صدها هزار هکتار جنگل را از بین می‌بریم، چشمه‌های تولید کرد و خاک را افزایش می‌دهیم و کشور را فقیرتر می‌کنیم.

از منظر سیاستی و تقنینی، ایران با الحاق به کنواسیون تغییرات آب‌وهوا (UNFCCC)، پروتکل کیوتو و توافق‌نامه پاریس متعهد به تدوین برنامه‌های ملی سازگاری شده است. همچنین سیاست‌های کلی محیط زیست ابلاغی رهبر انقلاب در سال۱۳۹۴، قانون برنامه هفتم توسعه و سایر مصوبات مرتبط، چارچوب حقوقی لازم را برای سیاست‌گذاری اقلیمی فراهم کرده‌اند. در برنامه هفتم توسعه بر توسعه اقتصاد سبز، انرژی‌های پاک، کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی، مدیریت منابع آب، حفاظت از جنگل‌ها و ایجاد بازارهای کربن تأکید شده است. با این حال، گزارش تمام این قوانین روی کاغذ ماندند و با ادعاهایی چون خساست آسمان، ضعف نهادهای هماهنگ‌کننده، کمبود منابع مالی و محدودیت‌های ناشی از تحریم‌ها توجیه شدند.

مدیریت شکست‌خورده منابع آب در ایران

حالا در شرایطی که سیاست‌گذاری‌های ناکارآمد در حوزه مدیریت منابع آب به بحران آب در کشور انجامیده، متولیان ماجرا را به کاهش بارندگی و تغییرات اقلیمی نسبت داده و قطع آب شرب یا توزیع آب با تانکر یکی از صحنه‌های رایج ایران امروز شده است. این در حالی است که کشور امارت متحده عربی در همسایگی ایران آب و هوای بیابانی، گرم و خشک با میانگین دمای سالانه بین ۲۴ تا ۳۰ درجه سانتی‌گراد دارد و میزان بارش‌ها در برخی مناطق آن بسیار کمتر از ۷۵ میلی‌متر است؛ مثلا میزان بارش در دوبی حدود ۴۸ میلی‌متر و تقریبا برابر با یزد در کشور ماست. اما در این کشور، به‌جای اصرار بر کشاورزی سنتی، روی کشاورزی عمودی، استفاده از بارزافیتی و تکنیک‌های کلخانه‌ای مدرن سرمایه‌گذاری شده است.

عربستان سعودی نیز با مساحتی حدود ۱۵.۲ میلیون کیلومترمربع، بزرگ‌ترین کشور جهان است که هیچ رودخانه‌ای در آن جریان ندارد. پس به‌جای منابع سطحی آب، بر سفره‌های آب زیرزمینی تکیه دارد و امروز بزرگ‌ترین تولیدکننده آب شرب‌شده از دریا در جهان است. کویت هم بی‌هیچ رودی، با جمعیتی حدود ۲.۴ میلیون نفر، از زیرساخت‌های پیشرفته‌ای برای تصفیه، بازایافت و توزیع آب استفاده می‌کند و در زمینه فناوری آب یکی از کشورهای پیشرو در منطقه است. حتی قطر هم با جمعیتی نزدیک به ۷.۲ میلیون نفر و آب‌وهوای بیابانی، هیچ رودخانه دائمی ندارد و تقریبا صددرصد آب مصرفی خود را از نمک‌زدایی تأمین می‌کند. قطر در سال‌های اخیر میلیاردها دلار در ساخت نیروگاه‌های آب شیرین‌کن، خطوط لوله و سامانه‌های هوشمند مدیریت منابع آبی سرمایه‌گذاری کرده است.

هرچند شیرین‌سازی آب دریا و افزایش حجم نمک در خلیج فارس یک نگرانی جدی محیط‌زیستی محسوب می‌شود و این کشورها حالا با عبور از دغدغه شیرین‌سازی آب دریا در اندیشه رفع چالش‌های محیط‌زیستی ناشی از آن هستند. علی بیت‌اللهی، رئیس بخش مخاطرات و زلزله‌شناسی مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی در واکنش به اظهارات رئیس‌جمهور درباره تخلیه تهران، به «شرق» گفت: «به نظر من، منظور آقای رئیس‌جمهور بیشتر نشان‌دادن جدی‌بودن وضعیت و هشدار درباره بحران است. از سوی دیگر، ما مقصدی هم نداریم که شرایط مطلوبی برای پذیرش حتی درصدی از این جمعیت داشته باشد. اگر به سیمای کشور نگاه کنیم، می‌بینیم که از نظر منابع آبی تقریبا در همه نقاط با بحران مواجهیم، اصفهان، شیراز، مشهد، کرمان و حتی شهرهای شمالی که تصور می‌شد مشکل آن ندارند، امروز درگیر بحران جدی کیفیت و کمیت منابع آبی‌اند. بنابراین، جابه‌جایی جمعیت از تهران عملا ممکن نیست و این سخنان بیشتر برای نشان‌دادن وضعیت بحرانی آب در کشور است.» او با اشاره به وضعیت خشک‌سالی کم‌سابقه امسال گفت: «بر اساس گفته یکی از استادان سازمان هواشناسی، پاییز امسال خشک‌ترین پاییز ۵۰ سال اخیر است. نه‌تنها در تهران بلکه در بسیاری از استان‌های کشور نیز وضعیت بارش‌ها بسیار نامطلوب است. پیش‌بینی می‌شود که وضعیت کم‌آبی حتی در اواسط پاییز هم بحرانی‌تر از تابستان شود و این مشکل حاصل رفتار نوسانی مدیریتی ماست. در دوره‌های بحرانی اقداماتی می‌کنیم و به‌محض کاهش فشار بحران، همه چیز فراموش می‌شود تا سال بعد دوباره همان وضعیت تکرار شود. محدوده جغرافیایی تهران از نظر توان تأمین منابع آبی و پاسخ‌گویی به نیاز عظیم جمعیت، واقعا محدود است.»

بیت‌اللهی در ادامه گفت: «ما در چند سال اخیر پروژه‌های مهمی برای تأمین آب تهران داشته‌ایم؛ از جمله خط دوم انتقال آب طالقان و حفر چندین حلقه چاه در نقاط مختلف شهر. این اقدامات پاسخ‌گوی رشد جمعیت و مصرف کنونی نیست.

دیدگاه

از شعار کیفیت تا واقعیت حکمرانی کیفی

امیرحیدری

دبیر انجمن مدیریت کیفیت ایران

هر سال در آبان‌ماه، هم‌زمان با روز ملی کیفیت، جامعه مدیریتی و صنعتی کشور فرصتی می‌یابد تا بار دیگر درباره مفهوم واقعی «کیفیت» پندیشد. شعار امسال، «کیفیت: مسیر سازمان‌های تاب‌آور و رقابت‌پذیر، یادآور این واقعیت است که کیفیت دیگر نه یک انتخاب تزئینی، بلکه شرط بقا، توسعه و پیشرفت پایدار در دنیای پرتلاطم امروز است. اما پرشش بنیادین همچنان باقی است:

آیا کیفیت برای ما صرفا شعاری تکرار‌شونده است یا واقعیتی جاری در رفتار، ساختار و تصمیم‌های سازمانی و ملی ما؟

کیفیت، فراتر از گواهینامه‌ها و استانداردهای فنی، مفهومی عمیق و سیستمی است؛ یعنی کیفیت در تصمیم، کیفیت در سیاست‌گذاری، کیفیت در آموزش، و در نهایت کیفیت در زندگی مردم.

اگر نظام حکمرانی، نظام آموزشی و نظام تولید کشور همسو و هماهنگ در مسیر یادگیری و بهبود مستمر حرکت نکنند، کیفیت در محصول و خدمت نیز سطحی، مقطعی و غیرپایدار خواهد بود.

ما در کشور، استاندارد داریم اما نظام استاندارد‌سازی‌مان استاندارد نیست؛ آموزش داریم، اما خروجی‌مان مهارت نیست، نظارت داریم، اما نتیجه‌مان اعتماد عمومی نیست. این نشانه آن است که کیفیت هنوز در سطح اندیشه و باور مدیریتی ما نهاییه نشده است. وقتی نظام آموزشی توان تربیت نیروی انسانی خلاق و به‌رور را ندارد، وقتی نظام ارزیابی مدیران مبتنی بر شایستگی و عملکرد واقعی نیست و زمانی که تصمیم‌های کلان بدون تحلیل اثرات اجتماعی و اقتصادی گرفته می‌شوند، چگونه می‌توان از کیفیت حکمرانی سخن گفت؟

در چنین وضعیتی، گواهینامه‌ها و نظام‌های تضمین کیفیت، به‌جای موتور حرکت، گاهی به ابزاری تشریفاتی و بی‌اثر بدل می‌شوند. حال آنکه کیفیت واقعی، محصول روندی مداوم از یادگیری، خطا، اصلاح و تعهد است. سازمانی که اشتباه نمی‌کند، یاد نمی‌گیرد؛ و ملتی که کیفیت را فقط در محصول جست‌وجو‌کند، کیفیت را در زندگی اجتماعی و اقتصادی خود از دست خواهد داد. امروز جهان در حال ورود به عصر کیفیت ۴.۰ است؛ عصری که در آن داده، هوش مصنوعی، تحلیل سیستماتیک و فناوری‌های هوشمند، به ارکان تصمیم‌سازی تبدیل شده‌اند.

درحالی‌که بسیاری از کشورها با استانداردهای نوین مانند ایزو ۹۰۰۴ و مدل‌های موفقیت‌پایدار مسیر بلوغ سازمانی را می‌پیمایند، ما هنوز درگیر آموزش ندهای ایزو ۹۰۰۱ هستیم. جهان کیفیت را دیگر ممیزی نمی‌کند؛ آن را پایش، تحلیل و پیش‌بینی هوشمندانه می‌کند. برای عبور از این وضعیت و تحقق واقعی کیفیت در کشور، به سه تحول بنیادین نیاز داریم:

۱- تغییر در نگاه مدیریتی: از کنترل و بازرسی به یادگیری، اعتماد و بهبود مستمر.
۲- تغییر در نظام آموزشی: از آموزش محفوظات به پرورش مهارت، خلاقیت و مسئولیت‌پذیری.

۳- تغییر در حکمرانی کیفیت: از شعار و نمایش به تصمیم، اقدام و پاسخ‌گویی واقعی.

کیفیت در نهایت در آیین‌نامه‌ها معنا نمی‌یابد، بلکه در رفتار مدیران، عدالت سیاست‌ها و رضایت مردم متجلی می‌شود.

اگر می‌خواهیم ایران را به کشوری کیفی، تاب‌آور و رقابت‌پذیر تبدیل کنیم، باید از خود آغاز کنیم.

از کیفیت در فشار، در تصمیم و در تعهد. روز ملی کیفیت فقط یادآور یک مناسبت تقویمی نیست؛ بلکه تلنگری است برای بازاندیشی در مسیر توسعه کشور و احیای اعتماد عمومی از مسیر کیفیت.

در این روز، به همه مدیران، متخصصان، صنعتگران و اعضای خانواده بزرگ نهضت ملی کیفیت صمیمانه درود می‌فرستم و این مناسبت را تبریک می‌گویم. امید آنکه با تلاش جمعی، کیفیت را از یک شعار اداری به واقعیتی ملی تبدیل کنیم؛ واقعیتی که در زندگی مردم، در کسب‌وکارها و در آینده ایران دیده و لمس شود.